

فلسفہ دین ۱

نویسنده: النور اسٹامف^۲

مترجم: علی حقی^۳



فلسفه دین، تأمل فلسفی درباره دین است. فلسفه دین به قدمت خود فلسفه است و پاره‌ای شاخص از فلسفه غرب در هر دوره‌ای است (نگاه کنید به مدخل تاریخ فلسفه دین). در نیمه آخر سده بیستم، گرایش به فلسفه دین تشدید شده است و دامنه موضوعاتی که فیلسوفان دین مد نظر داشته‌اند، به طرز چشم‌گیری وسعت یافته است.

گاهی وقت‌ها فلسفه دین، به معنی درست و دقیق لفظاً، منقسم شده است به خود فلسفه دین و کلام فلسفی. این تفکیک بازتاب دل‌نگرانی دوره پیشین فلسفه تحلیلی است که در طی آن فیلسوفان احساس نمودند که تأمل در باب دین فقط در صورتی از لحاظ فلسفی در خور و قابل اعتناست که به خدا باوری^۴ صرف محدود و منحصر شود، ضمن این که، در این رهگذر، لازم است از همه دینهای خاص دوری شود؛ هر موضوع دیگر [غیر از صرف خدا باوری] در کلام، نه در فلسفه، مورد امعان نظر قرار می‌گیرد. اما اکنون اکثر فیلسوفان برای بررسی و آزمون هر وجهی از دین، از جمله اعتقادات یا اعمالی که مختص به ادیان خاص است، خود را مخیر احساس می‌کنند. این

اعتقادات و اعمال، به طور کلی از لحاظ فلسفی، نه فقط فی حد ذاته پرکشش و مورد توجه است، بلکه غالباً مسائلی به وجود می‌آورد که در دیگر حوزه‌های فلسفه مفید و مؤثر می‌افتند. به عنوان مثال، تأمل در باب مفهوم مسیحی تقدیس^۵ نوری بر بعضی از مباحثات کنونی در خصوص اختیار تابانیده است (نگاه کنید به مدخل تقدیس).

فلسفه و اعتقاد به خداوند

فلسفه دین، همچون بررسی خدا باوری صرف - که هماناً هسته مشترک همه آیین‌های یکتاپرستی^۶ غربی است - شماری از مسائل را که مورد امعان نظر قرار می‌دهد، پدید می‌آورد.

هر موجودی باید به چه مانند باشد تا خدا محسوب گردد؟ آیا حتی برای آدمیان ممکن است که علم به صفات خدا پیدا کنند (نگاه کنید به مدخل‌های تصورات راجع به خدا، الهیات سهلی)؟ حتی اگر این علم ممکن باشد، آن صفات چه هستند؟ سنتاً مسلم انگاشته شده است که خداوند موجودی واجب است که وصف او عالیم مطلق، قادر مطلق، خیر مطلق، تحرک ناپذیری و سرمدیت است (نگاه

کنید به مدخل‌های وجود واجب، عالم مطلق، قادر مطلق، خیر، کمال، تحرک ناپذیری، سرمدیت) و عالم را به اختیار آفریده است (نگاه کنید به مدخل‌های خلقت و بقا، اعتقادات دینی، اختیار، امر الهی) و او کسی است که خاصه به وجهی، نسبتی با اخلاق دارد (نگاه کنید به مدخل دین و اخلاق).

در این برداشت از خداوند، او بر خلاف هر موجود دیگر در جهان، یگانه و یگانه انگاشته می‌شود (نگاه کنید به مدخل یکتاپرستی). در نتیجه، این مسأله پیش می‌آید که آیا زبان ما قابلیت باز نمایی خداوند را دارد یا ندارد. بعضی از متفکران، همچون موسی بن میمون، استدلال کرده‌اند که تعابیر و الفاظی که در مورد خدا و مخلوقات به کار می‌رود مشترک لفظی^۷ نیستند. دیگران استدلال کرده‌اند که زبان ما به وجهی ساخته شده است که به خداوند اطلاق می‌شود یا به این سبب که به طور مشترک لفظی در مورد خدا و مخلوقات مورد استفاده قرار می‌گیرد یا به این سبب که پاره‌ای از تعابیر و الفاظی را که در مورد مخلوقات به کار می‌روند، می‌توان به معنایی تمثیلی^۸ به خداوند اطلاق کرد (نگاه کنید به مدخل زبان

دینی).

نه هر کسی توصیف سنتی از خداوند را به دیده قبول می‌نگرد. مثلاً هواداران وحدت وجود^۹، تمایز میان خدا و خلق را نفی می‌کنند (نگاه کنید به مدخل آیین وحدت وجود). بعضی از فیلسوفان، به این سبب به این برداشت سنتی از خداوند اعتراض کرده‌اند که در آن، پاره‌ای مسائل فلسفی، مانند مسأله شر، لاینحل باقی می‌مانند (نگاه کنید به مدخل خدا باوری پویشی). کثیری از فمنیست‌ها این برداشت از خداوند را از این حیث که مرد سالارانه^{۱۰} است، طرد و نفی می‌کنند. به فرض قبول این برداشت سنتی از خداوند، آیا ما می‌توانیم به وجهی عقلانی علم پیدا کنیم که چنین خدایی وجود دارد؟ از بعضی از براهینی که برای اثبات وجود خداوند پیشنهاد شده‌اند مستفاد می‌شود که ما می‌توانیم به وجود خداوند، به وجهی عقلانی علم پیدا کنیم (نگاه کنید به مدخل‌های براهین اثبات وجود خداوند و الهیات طبیعی). در برهان وجودی کوشش برای اثبات این مطلب است که موجودی کامل باید وجود داشته باشد (نگاه کنید به مدخل آنسلم اهل کنتربری). در برهان جهان‌شناختی استدلال می‌شود که

وجود جهان، وجود علّی متعالی^{۱۱} را در جهان اثبات می‌کند. در برهان غایت‌شناختی، از اتقان صنع موجود در طبیعت، بر وجود صانع استدلال می‌شود. بعضی فیلسوفان متذکر شده‌اند که پدیده گسترده تجربه دینی نیز موچد برهانی برای اثبات وجود موجودی ماوراء طبیعی، مبتنی بر این گونه تجربه است (نگاه کنید به مدخل‌های تجربه دینی، تاریخ عرفان، سرشت عرفان). اکثر فیلسوفان کنونی، این براهین را قرین موفقیت نمی‌دانند (نگاه کنید به مدخل‌های خداناباوری و لادری‌گرایی).

میان عقل و اعتقاد دینی، دقیقاً چه نسبتی برقرار است؟ آیا برای حصول اعتقاد دینی ما به استدلال‌هایی نیاز داریم یا آن که اعتقاد بدون استدلال، عقلانی است؟ ایمان چیست؟ آیا ایمان معارض با عقل است؟ بعضی فیلسوفان استدلال کرده‌اند که هر گونه ایمان و اعتقادی که مبتنی بر قرائن نباشد، ناقص یا حتی در خور سرزنش است. این رأی، دیگر خیلی متداول و مورد توجه نیست. از سوی دیگر، بعضی از فیلسوفان کنونی نظر داده‌اند که هر گونه قرینه‌ای برای اعتقاد دینی، غیر ضروری است. این رأی نیز مورد مناقشه

است (نگاه کنید به مدخل‌های ایمان، دین و معرفت‌شناسی).

بعضی فیلسوفان چنین پنداشته‌اند که پرسش‌هایی از این دست، با مسأله شر (نگاه کنید به مدخل مسأله شر)، که در حکم برهانی علیه وجود خداوند می‌باشد، منتفی به انتفاء موضوع می‌شود. به نظر این فیلسوفان، خدا و شر ممکن نیست توأمان وجود داشته باشند، یا به هر حال، وجود شر در جهان بی‌نهایتی است که از وجود خداوند سلب تأیید می‌کند. در واکنش به این کلنجار رفتن با اعتقاد دینی، بعضی فیلسوفان بر آن بوده‌اند که می‌توان به پشتوانه نظریه عدل الهی^{۱۲} - که کوششی است برای به دست دادن استدلالی اقناع کننده از لحاظ اخلاقی در تأیید روا داشتن خداوند وجود شر را - از اعتقاد دینی دفاع به عمل آورد.

بعضی دیگر از فیلسوفان، با خاطر نشان کردن ضعف روایت‌های براهینی که از راه شر علیه وجود خداوند اقامه می‌شود، به این رأی قائل شده‌اند که می‌توان از اعتقاد دینی، بدون تمسک به نظریه عدل الهی، دفاع کرد. سرانجام، بعضی متفکران استدلال کرده‌اند که رویکردی عملی و سیاسی، یگانه واکنش صحیح به مسأله

وجود شر در جهان است (نگاه کنید به مدخل الهیات آزادی بخش).

آن کسانی که از وجود شر علیه وجود خداوند بهره می‌جویند می‌پندارند که خداوند، اگر وجود داشته باشد، می‌تواند و باید در نظم طبیعی جهان مداخله کند. این رأی مورد قبول هر کسی نیست (نگاه کنید به مدخل خدا باوری). اما فرض کنیم که این رأی، رأیی درست باشد، چگونه باید مداخله خداوند را در نظم طبیعی جهان فهم کنیم؟ آیا خداوند بنا بر مشیت^{۱۳}

خودش مداخله می‌کند و جهان را به سمت غایات معینی هدایت می‌کند (نگاه کنید به مدخل مشیت الهی)؟ آیا فعل مشیت الهی را می‌توان همچون معجزه‌ای محسوب کرد؟ معجزه چیست و آیا اصلاً معقول است که باور کنیم معجزه‌ای به وقوع پیوسته است (نگاه کنید به مدخل معجزه)؟ بعضی کسان چنین پنداشته‌اند که اعتقاد به این که معجزات به وقوع پیوسته‌اند، با اذعان به کامیابی‌های علم تجربی ناسازگار است و به تدریج پی و پایه آن سست و تضعیف می‌گردد.

بسیاری نیز برآنند که پاره‌ای از آراء و نظریه‌های مقبولیت عام یافته، بر باورهای دینی خاصی، سایه تردید افکنده‌اند.



فلسفه و اعتقادات و اعمال دینی

افزون بر مسائلی که از رهگذر برداشت سنتی از خداوند پدید آمدند، مسائل دیگری هستند که از رهگذر اعتقادات مشترک آیین‌های یکتاپرستی غربی به وجود آمدند. این مسائل از جمله مشتمل‌اند بر این رأی که وجود آدمی با موت جسمانی به اتمام نمی‌رسد، بل در زندگی پس از

مرگ ادامه پیدا می‌کند (نگاه کنید به مدخل‌های سرشت و جاودانگی نفس، تجسد، رستاخیز). گرچه سیاق باورهای مرتبط با ماهیت زندگی پس از مرگ، از تنوع گسترده‌ای برخوردار است، معمولاً این زندگی مشتمل بر بهشت و جهنم انگاشته می‌شود. از نظر بعضی جماعت‌های مسیحی، این زندگی همچنین مشتمل است بر اعراف^{۱۴} و برزخ^{۱۵}. همه این اعتقادات، رسته‌ای از مسائل فلسفی را در مقابل دیدگان ما به نمایش می‌گذارد (نگاه کنید به مدخل‌های بهشت، جهنم، اعراف، برزخ).

به همین نسبت تنوع زیادی در آراء و نظریاتی وجود دارد راجع به این که شرط لازم ورود آدمی به بهشت چیست. (نگاه کنید به مدخل رستگاری). مسیحیان عموماً برآنند که این شرط لازم، اما نه کافی، ایمان است (نگاه کنید به مدخل‌های مبرا بودن از گناه و دین داری). آنان همچنین برآنند که در این راه، ایمان ثمربخش است، از بهر رنج و جان سپردن عیسی مسیح (نگاه کنید به مدخل‌های تجسد و مسیح‌شناسی و تثلیث). مسیحیان گناه را مانعی برای تحقق یگانگی با خدا و زندگی در بهشت تلقی

می‌کنند و چنین می‌انگارند که فدیة^{۱۶} مسیح راه حل این مشکل است. (نگاه کنید به مدخل‌های گناه و فدیة). به سبب فدیة مسیح، آمرزش و لطف الهی برای آدمیانی که خواهان باور به خداوند هستند، دسترس پذیر می‌گردد (نگاه کنید به مدخل‌های آمرزش و لطف الهی). اکثر مسیحیان چنین انگاشته‌اند که این خواهندگی فی نفسه موهبتی از جانب خداوند است (نگاه کنید به مدخل لطف)، اما بعضی چنین انگاشته‌اند که آدمیانی که دست تنها شده‌اند از رهگذر لطف می‌توانند هر آن چه را خیر است طلب یا حتی بدان عمل نمایند (نگاه کنید به مدخل پلاگیا نیسم^{۱۷}). این که چگونه این معتقدات را تفسیر نماییم و این که آیا از آنها اصلاً می‌توان تفسیری منسجم ارائه کرد، دست خوش بحث و فحص فلسفی بوده است.

مشخصه زندگی دینی فقط با اعتقاد و تجربه دینی توصیف نمی‌شود، بل با بسیاری چیزهای دیگر نیز ویژگی آن مشخص می‌گردد (نگاه کنید به مدخل پدیدارشناسی دین).

از نظر بسیاری از معتقدان، ساختار زندگی دینی را مناسک و عبادات تشکیل

می‌دهند (نگاه کنید به مدخل‌های مناسب و عبادات). مسیحیان نیز چنین می‌انگارند که شعایر دینی حایز اهمیت‌اند، گرچه پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها بر سر ماهیت و تعداد این شعایر اختلاف نظر دارند (نگاه کنید به مدخل شعایر). از نظر مسیحیان، لبّ زندگی دینی که با فدیة و تصدیق فرد معتقد لطف را، میسور می‌گردد، عبارت است از فضایل دینی، ایمان، امید، خیر خواهی^{۱۸} (نگاه کنید به مدخل فضایل دینی).

بسیاری از متدینان چنین می‌انگارند که علم دارند که این فضایل و دیگر چیزها ذاتی زندگی دینی‌اند و این نیست مگر به سبب آن که خداوند موارد یاد شده را بر آنان آشکار نموده است (نگاه کنید به مدخل وحی). این وحی مشتمل است بر کتابی یا گنج‌نایده شده است در کتابی؛ قرآن برای مسلمانان، انجیل عبری برای یهودیان و عهد قدیم و عهد جدید برای مسیحیان. این که نصوص این کتاب‌ها را چگونه باید بفهمیم و شیوه‌ای که به آن شیوه باید نصوص دینی را تفسیر نماییم به میزان هنگفتی از مسائل فلسفی دامن زده است (نگاه کنید به مدخل‌های هرمنیوتیک، کتاب مقدس).

بعضی از متفکران که خود فیلسوف نیستند، مع هذا برای فلسفه دین حایز اهمیت‌اند و در این دانش‌نامه نیز شرح حال و افکار آنان گنج‌نایده شده است. از باب نمونه، از جمله این کسان، جان کالون^{۱۹} و مارتین لوتر^{۲۰}‌اند که آرام و نظریاتشان در خصوص تزکیه نفس و فدیة، تأثیر هنگفتی بر فهم ما از این مفاهیم گذاشته است. نیز از آن جمله‌اند ژاک مارتین^{۲۱} و پی یر تیلار دوشاردن^{۲۲} که تأثیر آنان بر کلام فلسفی معاصر چشم‌گیر است.

برای مطالعه بیشتر:

Murray, M. and Stump, E. (eds) (1999) *philosophy of Religion: The Big Questions*, Oxford: Blackwell. (A broad and inclusive anthology of readings in philosophy of religion.)

Quinn, P, and Taliaferro, C. (1997) *A Companion to philosophy of Religion*, Oxford: Blackwell. (A helpful and comprehensive reference work for philosophy of

8. analogical sense.
9. Pantheists.
10. patriarchal.
11. transcendant cause.
12. Theodicy.
13. providentially.
14. Limbo.
15. Purgatory.
16. atonement.
17. pelagianism.
18. charity.
19. John Calvin.
20. Martin Luther.
21. Jacques Maritain.
22. Pierre Teilhard De Chardin.

religion.)

پی نوشتها

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از
Routledge Encyclopedia of philosophy,
Edward Craig(ed.), Vol. 8, PP.
248-250.
2. Eleonore Stump.
۳. عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد.
4. Theism
5. Sanctification.
6. monotheism.
7. equivocal.

